

خراپات

عاشقِ پریانِ همه آن سال‌ها



جواد طوسی

● **پرویز سالگرد تولد یک شاعر و نویسنده خود ساخته و صاحب سبک بود. کسی که مثل هیچ‌کس نیست. احمدرضا احمدی در طول حیات فرهنگی هنری‌اش، همواره انسانی بی‌حاشیه بوده است. از شروع فعالیت ادبی‌اش در انتشارات «طرفه» در نیمه اول دهه ۴۰ و همکاری با «جنگ طرفه» و انتشار مجموعه‌های «روزنامه شیشه‌ای» و «کار در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» از اواخر دهه ۴۰ و پیشنهادهی نو و متفاوت برای تلفیق شعر و موسیقی با دعوت از آهنگ‌سازیانی چون فریدون شهبازیان، اسفندیار منفردزاده، کریم کوگردچی، مجید انتظامی و…، تا دستپاری برای جلال مقدم در فیلم دیدنی و ماندگار «فرار از تله» (۱۳۵۰) و ایفای یکی از نقش‌های فرعی فیلم «پستی» داریوش مهرجویی و انتشار هزارگانه چندین مجموعه شعر در این فاصله، با آدمی طرف بوده‌ایم که بدون جاروجنجال کار خودش را کرده و اسبش را تاخته است. تنها شاعری چون او می‌تواند سوار بر اسب خیالش به سیاست و خشونت و زشتی و پلیشتی پشت کند و با واژگان دلخواش حرمی امن و چشم‌نواز بسازد و در چهارراه فضول نظاره‌گر روز و شب و ابر و باد و باران باشد و با رنگ‌ها بازی عاشقانه کند، عشق را با مرگ درهم آمیزد و در دامن سپید برف، خوابِ کودکانه‌هایش را ببیند. تنها احمدرضا احمدی می‌تواند در کنار باغ خاطره‌ها، تصویرگر دریای متلاطم و پراشوب باشد و هم‌زمان گریز به داریوش رفیعی و ترانه‌هایش برند. این کلاژ غریب، شاعرانه و نوستالژیک را در اشعار او می‌بینیم و گاه با خش خش صحنه گرامافون و صدای سنتور، به گذشته‌های دور و خاطرات غبارگرفته پرتاب می‌شویم. ریشه‌های عمیق رفاقت احمدرضا احمدی و مسعود کیمیایی را در جوانی پرشوروشروشان و نقش‌های به‌جامانده در خیابان ایران و عین‌الدوله و کوچه سقاخانه‌ی باید جست‌وجو کرد. از آن همدلی و همراهی و هم‌کلامی جاری در حس و غریزه، به این بده‌بستان هنرمندانه در آثار هنری‌شان رسیدیم. احمدرضا شعر و دل‌نوشته‌هایش را به یار غارش مسعود تقدیم می‌کند. او این‌گونه از او و گذشته پراختره‌شان یاد می‌کند: «… ناگهان مسعود کیمیایی رسید، شعر رسید. نه کلبه را به «دروازه‌های پاریس» آمد… گرامافون کوکی از خانه‌ها رفت، مسعود کیمیایی گرام برقی خرید، ما غروب‌ها کنار باغچه خانه مسعود کیمیایی به گرام برقی گوش می‌کردیم… بی‌کاری و اضطراب و وحشت از آینده از کنار گرام برقی می‌گریختند، پدر مسعود هر شب برای ما از جنگ جهانی دوم می‌گفت… صه‌ها‌ها کوتاه ارنست همینگوی مرهم شد و به قلب من ریخت، به قلب مسعود کیمیایی کاری کوپُر آوار شد، زندگی هرچه سعی داشت چهره زشت و مکارش را به ما نشان دهد، نتوانست…!». از آن سو مسعود کیمیایی، همان ابتدا قبل از «بیگانه‌بیا»، تست فیلم‌سازی‌اش را برای «برادران اخوان» استودیو مولن‌روژ با احمدرضا احمدی و فرامرز قریبیان کار می‌کند که بعدها در تیتراژ فیلم «تجارت» می‌آید و در «قیصر» از زبان اعظم (پوری نبایی)، قطعه‌ای از یکی از اشعار دوستش احمدرضا را می‌گوید: «میوه تو عزا طعم نداره». سال‌ها بعد نیز فصل سینمایی و تأویل‌پذیر اسب‌سواری رضا (فرامرز قریبیان) در خیابان و میدان فردوسی را با وام‌گرفتن از این شعر احمدرضا احمدی شکل می‌بخشد؛ شما که اسبم را در خیابان رها کردید و آن باران بی‌پایان را حدس نرذید؛ چرا به من امید زنده‌ماندن می‌دهید؟ می‌دانم اسبم/ به روی آسفالت، از بی‌علفی، می‌میرد…». احمدرضا احمدی در ۷۸سالگی، همچنان می‌نویسد و می‌سراید و نقاشی می‌کشد و «ممر مفید»ش را بدون «پرتی» ثبت و ضبط می‌کند. دوستی و رفاقت و نگه‌داشتن حرمت، هنوز برای او معنای هویتمند و قدیمی‌اش را دارد. گاه با آبدین آغداشلو و به هر مناسبتی با ابراهیم گلستان و پرویز دولایی و… . همچنان دل‌سپرده و دل‌واپس رفیق دیدنیش پیش‌شعرا کیمیایی، سرش سلامت و عمرش در این رایش و خلق پایان‌ناپذیر، پربار…**

۱- کتاب «شعرا و یادهای دفترهای کاهی»، صفحات ۳۸۳ و ۳۸۴

۲- از مجموعه «قافیه در باد گم می‌شود»

خبر

بهناز جعفری پس از سفر به کن

با «رومولیت» به صحنه می‌آید

● **گروه هنر**، بهناز جعفری که برای فرش قرمز فیلم «سهرخ» کار جعفر پناهی به جشنواره کن فرانسه سفر کرده بود، پس از بازگشت دوباره با نمایش «رومولیت» روی صحنه می‌رود. بهناز جعفری که در فستیوال فیلم کن برای بازی در فیلم «سهرخ» حضور داشت، از دوشنبه، ۳۱ اردیبهشت، در نمایش «رومولیت» حاضر شد. ناز‌آفرین کاظمی از روز جمعه، ۲۱ اردیبهشت، جایگزین بهناز جعفری در نقش دایه در نمایش «رومولیت» شده بود. نمایش «رومولیت» به کارگردانی مشترک مصطفی کوشکی و هستی حسینی روی صحنه رفته است.

گروه هنر؛ پانزدهمین جشنواره فیلم کوتاه «نهاد»، هفته فیلم «ناصر تقوایی» را برگزار می‌کند. مراسم هفته فیلم تقوایی پنج خرداد در حضور جمعی از هنرمندان و منتقدان به صورت رسمی آغاز خواهد شد و در نخستین روز برنامه همراه با اکران فیلم «کاغذ بی‌خط»، ویژه‌نامه هفته فیلم معرفی و رونمایی خواهد شد.

این برنامه تا نهم خرداد هر روز از ساعت ۱۹ تا ۲۲ در سالن شهید فلاحت‌پور دانشکده سینما

و تئاتر دانشگاه هنر ادامه خواهد داشت و هر روز پس از نمایش فیلم، نشست نقد و بررسی آثار نیز برگزار خواهد شد. هدف از برگزاری هفته فیلم «ناصر تقوایی» توجه به

سینمای مستقل است که همراه نمایش فیلم‌ها، ویژه‌نامه‌ای درباره این هنرمند بزرگ و آثارش

برپایی هفته فیلم «ناصر تقوایی» در تهران



منتشر خواهد شد که حاصل تلاش چندماهه تیم پژوهش نهاد و دانشجویان دانشکده سینما و تئاتر است.

برنامه نمایش فیلم‌ها به این شرح است: شنبه،

پنج خرداد: فیلم «کاغذ بی‌خط» همراه با رونمایی از ویژه‌نامه ناصر تقوایی/ یکشنبه، شش خرداد:

استقبال از نمایش «حرفه‌ای» با بازی و کارگردانی رضایانین در کانادا

مردی مثل پدر یا یک عمر مأمور مخفی



که می‌تواند بازدارنده جریانات نویسن و اصلاحات اجتماعی باشد.
بستر اتفاقات، وزارت فرهنگ و هنر در صربستان یا یوگسلاوی پس از دوره کمونیستی است. نویسنده‌ای که حالا شغل نظارت بر کتاب را دارد، پیش از اینها علیه نظام بسته کمونیستی سخنرانی‌ها و متن‌هایی را نوشته که می‌خواسته منتشر شود که نشده است. همه این موارد را به نقل از پلیس مخفی‌ای می‌شنویم که پس از ۱۸ سال حالا بازنشسته و برکنار شده است، اعتراف می‌کند. او مأمور مخفی برای کنترل برنامه‌های این نویسنده اکنون پس از سرنگونی تیتو، رئیس اداره کتاب شده است. حالا خودش مسئول بررسی کتاب‌هایی است که در نوبت انتشار هستند! این یک موقعیت کمیک و درعین‌حال تراژیک است. حالا پیرمردی به ملاقات او می‌آید که در زمان دیکتاتوری از عوامل وزارت اطلاعات و مأمور رصد نویسنده بوده است. حرفه‌ای، نمایشی کمدی است که می‌خواهد ما را متوجه جریانات سیاسی و اجتماعی کند و به این تعبیر باید گفت که ما را در یک موقعیت قرار می‌دهد و به‌ناچار پیرو امکانات یک کمدی موقعیت خواهد بود که در آن هدف ارائه آن نکات بارزی است

حالا دیگر تا اندازه‌ای روشن‌فکر است و حتی پسرش نیز به‌واسطه همین متن‌ها روشن‌فکر شده و در حکومت قبلی از کشور تبعید شده است. نمایش حال‌و‌هوی غریبی دارد، چون در آن رابطه پلیس و نویسنده رمزگشایی می‌شود بی‌آنکه در آن خطر و تهدیدی باشد و این رابطه به جای مرگ و شکنجه و دستگیری سرشار از مهر و محبت است و انکار پلیس مخفی به دین پسرش آمده و از خاطراتی می‌گوید که در زندگی این دو اتفاق افتاده است، اما چون پلیس مخفی بوده یا در لباس و گرم مبدل بارها در حوادث مختلف حضور می‌یافته، امروز نویسنده این مرد را به خاطر نمی‌آورد. شاید هم سادگی و شفافیت نویسنده در آن روزگار بوده که مانع از لمس دیگری در لباس مبدل می‌شده برای اینکه گاهی دیگران به حضور مشکوک این مرد هشدار داده‌اند و او از کنارش رد شده و حالا متعجب است که این همه حرف زده و نوشته و از چشم خودش پنهان مانده است.

دوشان کواچویچ یکی از مشهورترین هنرمندان تئاتر اهل یوگسلاوی است که فیلم‌نامه مشهور «زیر زمین» را برای امیر کاستاریکا نوشت و این فیلم

فیلم «ناخداخورشید»/ دوشنبه، هفت خرداد: فیلم «صادق کرده»/ سه‌شنبه، هشت خرداد: فیلم‌های رهایی، مشهد قالی، بادجن و کشتی یونانی/ چهارشنبه، ۹ خرداد: فیلم‌های اربعین و تمرین آخر.

این برنامه از سوی جشنواره دانشجویی نهاد با همکاری فیلم‌خانه ملی ایران برگزار می‌شود و شرکت در جلسات هفته فیلم، رایگان و حضور عموم آزاد است.

توانست در جشنواره فیلم کن در سال ۱۹۹۵ نخل طلا را دریافت کند. کیانین این نمایش‌نامه را با ترجمه ایرج امامی و از روی ترجمه انگلیسی و ترجمه‌ای که در آف برادوی اجرا شده، به صحنه برده است. پیش از کیانین نیز در سال ۸۳ بابک محمدی با ترجمه خود این متن را کارگردانی کرده بود که اتفاقا رضا کیانین در کنار مریم سعادت و احمد ساعتچیان یکی از پرقدرت‌ترین بازی‌هایش را عرضه کرده بود. ناگفته نماند که پس از گذشت ۱۲ سال با توجه به پایه‌سنگ‌داشتن رضا کیانین احساس می‌شود که بهتر از عهده نقش یک فرد مسن برآمده است. درعین‌حال او سعی کرده بود که در اجرای خود با نگاه متفاوت و شیوه اجرایی تازه‌ای نمایش «حرفه‌ای» را کارگردانی کند که تفاوت‌هایشان خیال مخاطب را از تأثیرهای حرفه‌ای کار بابک محمدی دور کند و شاید هم موفق شده باشد، اما برخی منتقدان همچنان به همان اجرای قبلی و بازی کیانین در آن بیشتر توجه نشان داده‌اند و این خود شاید دلایل دیگری داشته باشد که در نوبسود آن اجرا چنین حس‌وحالی برایشان همچنان دوام یافته است.

منش ظاهری اجرای حرفه‌ای همان شیوه پیشین است، اما در باطن دگرگونی قابل‌لمسی در ارائه تحلیل و ایجاد موقعیتی تصویری‌تر را فراهم کرده است. این اجرا در طراحی صحنه و لباس بسیار متفاوت با آنچه قبلا اجرا شده است می‌نماید. در اینجا هدف ارائه یک فضای قابل تعمیم است؛ برای همین از داربست استفاده شده که در یک پرسپکتیو رو به بی‌نهایت، یک چشم‌انداز ترسیم می‌شود که می‌تواند موقعیت را گسترش‌یافته بنمایاند و این همان تصویر ایده‌آلی است که ما را نسبت به دریافت اتفاقات کنش‌مند می‌کند. همچنین باید گفت که نمایش «حرفه‌ای» علاوه‌بر تهران، از ۲۶ تا ۲۸ اردیبهشت پارسال در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد روی صحنه رفت. در اجرای مشهد، رضا کیانین، هدایت هاشمی، سعید ملک و رعنا خطامی به ایفای نقش پرداختند. نورالدین حدیدی‌ماهر، تهیه‌کننده و مسعود پاکدل، مدیر امور بین‌الملل نمایش «حرفه‌ای» هستند.

استاد امیرخانی: کمیسیون ملی یونسکو؛ فرصتی مناسب

صاحب این هنر، صورت پذیرد تا به‌این‌وسلیله از سندسازی جعلی برخی از کشورها در تصاحب نام مفاخر ایرانی جلوگیری شود». یوبسی در ادامه با تأکید بر تشکیل شورای سیاست‌گذاری خط و خوشنویسی، اذعان کرد: «تشکیل چنین شورایی مرکب از پیش‌کسوتان و بزرگان این رشته می‌تواند منشأ اقدامات تخصصی و درخور توجهی در حوزه این هنر شود».

در ادامه جلسه، استاد امیرخانی نیز ضمن تبریک انتصاب ایوبی به این موضوع اشاره کرد که تیم حاضر در این جلسه در دوران ریاست دکتر ایوبی در مؤسسه فرهنگی اکو چنین شورایی را تشکیل داده و از این راه برنامه‌های خوبی را در داخل و خارج از کشور به انجام رسانیده است. همچنین امیرخانی اظهار امیدواری کرد «با پیوستن اهالی هنر و افزوده‌شدن ظرفیت‌های هنرمندان کشور به کمیسیون ملی یونسکو ایران به‌عنوان نهادی خوشنام و باوقوی قدرتمند در اجرای اهداف سازمان جهانی یونسکو، فضایی تازه و پرنشاط در داخل و خارج از کشور برای معرفی میراث فرهنگی ایران اسلامی به وجود آید».

در پایان، حاضران در جلسه حمایت خود را از برنامه‌های دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو اعلام کردند.

امیر یوسفی رئیس شورای صنفی نمایش شد

اعلام خواهد شد». فرجی ادامه داد: «در این جلسه قرارداد فیلم «شماره ۱۷ سهیلا» برای اکران در پردیس سینمایی کوروش پس از فیلم «خوک» ثبت شد و فیلم «ناخواسته» هم اکران شود را از روز چهارشنبه، دوم خرداد، در گروه سینمایی «زندگی» آغاز می‌کند».

او با اشاره به ادامه اکران فیلم «جشن دلنگی» گفت: «میزان فروش اردیبهشت‌ماه امسال سینماها ۲۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بود که نسبت به سال گذشته با فروش ۱۷ میلیارد تومان در همین ماه افزایش داشته است، البته این افزایش فقط به بیشترشدن بهای بلیت مربوط نمی‌شود، چراکه افزایش مخاطب هم داشته‌ایم و این موضوع در سینماهای شهرستان‌ها آمارگیری شده است».



هم به‌عنوان سخنگوی شورای صنفی نمایش انتخاب شدیم». او اضافه کرد: «در این جلسه مصوب شد که مسابقات جام جهانی فوتبال در سینماها برگزار شود، اما چگونگی اجرایی‌شدن آن با نظرگرفتن حقوق صاحبان آثار هفته آینده

هنر

یادداشت

وقتی از ادغام حرف می‌زنیم از چه چیزی حرف می‌زنیم؟

کمال پورکاوه

● ۱- در روزهای اخیر انتشار بیانیه‌های متوالی از جانب صنف مختلف سینمایی در اعتراض به نحوه برگزاری جشنواره جهانی فجر و درخواست ادغام آن به شکل سابق، بحث‌ها و جدلهای فراوانی را در محافل سینمایی به وجود آورده است. در این میان بیانیه «انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی» که تکمیل‌کننده نظر کانون کارگردانان و تهیه‌کنندگان درباره شیوه اجرایی جشنواره جهانی فیلم فجر است، جالب‌توجه به نظر می‌رسد. در بیانیه انجمن منتقدان آمده است: «برگزاری مستقل این جشنواره به شیوه معمول چند دوره اخیر به‌جز اتلاف هزینه‌های سنگین و زائد و ایجاد انحصارگرایی و رانت برای مجموعه‌ای خاص که در تعارض با حمیت صنفی و حضور حاکمتری اهالی و صاحب‌نظران سینما در این‌گونه رویدادهای فرهنگی و هنری است، نتیجه ثمربخشی نداشته و نخواهد داشت». بی‌یتم‌خوانان جشنواره‌ای که تنها نزدیک به دو دوره از اجرای جدید و سروشکل تازه آن به مدیریت رضا میرکمینی گذشته و سنجش آثار و تأثیرات آن طبیعتا به مدت‌زمان بیشتری نیاز دارد، در قیاس با جشنواره ملی که سی‌وششمین سال برگزاری خود را پشت‌سر گذاشته است، از آن دست موضوع‌گیری‌هایی است که فارغ از کلی‌گویی‌های غیرقابل‌استاد ذکرشده در بیانیه‌های صادرشده، برای اثباتش ناگزیر از بررسی جزئیات مدیریت اجرایی هر دو جشنواره و سنجش میزان رضایت مخاطبان اصلی آنها هستیم تا بتوانیم منافع و معایب ادغام جشنواره جهانی و ملی، در کنار توصیه بازگشت به اجرای سال‌ها قبل را از چارچوبی صحیح به قضاوت بنشینیم.

۲- در بیانیه انجمن منتقدان به انحصارگرایی و عدم حضور حاکمتری اهالی سینما در جشنواره جهانی فجر اشاره شده است. برای منتقدان و نویسندگانی که به طبیعت شغفلشان با کلمات و معانی آنها برای رسیدن به یک نتیجه مشخص، سروکار دارند، پیش‌کشیدن بحث انحصارگرایی از آن دست عباراتی است که حداقل با واقعیت جشنواره جهانی فجر همخوانی چندانی پیدا نمی‌کند. وقتی جشنواره جهانی فجر مدت‌ها قبل از برگزاری اقدام به انتشار فراخوان برای دریافت و بازبینی فیلم‌ها کرده و به سبک‌وسایل تمامی جشنواره‌ها، تیم انتخاب‌کننده و تیم داوری خود را از میان خیل سینماگران و منتقدان برمی‌گزیند، از کدام انحصارگرایی می‌توان صحبت کرد؟ طبیعی است که در برگزاری هر جشنواره‌ای همه سینماگران آن کشور نمی‌توانند به‌عنوان عوامل مدیریتی و اجرایی اقدام به فعالیت کنند. درحالی‌که هنوز بعد از گذشت ۲۶ سال، جشنواره ملی فجر از عملیاتی‌کردن آن عاجز است!

۳- واقعیت این است که ناکارآمدی مدل برگزاری جشنواره ملی فجر که سال‌هاست تبدیل به یک دورهمی کودکانه شده است، در ۳۶ دوره برگزاری بر همگان آشکار شده است؛ جشنواره‌ای که حضور میهمانان و فیلم‌های خارجی در آن کاملا تحت‌الشعاع فیلم‌های ایرانی حاضر در جشنواره قرار گرفته بود و همین منتقدان دل‌نگران سینما را که امروز مخالف برگزاری جداگانه جشنواره بین‌الملل از بخش ملی هستند، سال‌ها پیش در حالی چراغ‌قوه‌به‌دست به‌دنبال پیداکردن جای خالی در سالن تارک سینما برای دیدن فیلمی از فریدون جیرانی می‌کشاند که در سالن کناری، فیلم «دشت گریان» آنکلوپولوس با حضور چهار، پنج جوان مشتاق سینما در حال نمایش بود. برای ما که سال‌ها تجربه دیدن فیلم‌های خارجی را روی پرده سینماهای خودشان نداریم، اقدام منتقدان بر رجعت‌دانستی فیلم‌های ایرانی در سال‌های ادغام بی‌سلیقه و بین‌الملل جشنواره، ریشخندآمیز به نظر می‌رسد. کافی بود منتقدان معترض امروز که احتمالا نزدیک‌شدن به معیارهای برگزاری یک جشنواره را به استانداردهای جهانی، گزینهای تجملاتی و غیرضروری می‌دانند، سری به سالن‌های شلوغ اکران فیلم‌های خارجی در جشنواره جهانی اعلام می‌زدند تا دریابند یک جشنواره چگونه می‌تواند ذوق و اشتیاق مخاطبانش، اعم از سینماگران و علاقه‌مندان را این چنین برانگیزد. جشنواره‌ای که توانسته است در مدت کوتاه برگزاری‌اش سینماگران معتبری مانند سرگئی بودروف، الیور استون و آهنگ‌ساز مشهوری مانند یووانی را با خود همراه کند، طبیعتا این توانایی را خواهد داشت که در آینده‌ای نه‌چندان دور به جایگاه درخور اعتنایی در میان جشنواره‌های سینمایی جهان دست یابد.

۴- برپایی بازار فیلم در جشنواره جهانی فجر و اختصاص یک سالن ویژه برای اکران فیلم‌ها در این بخش، از آن دست اقداماتی است که به خوبی می‌تواند زمینه لازم را برای معرفی و بازاریابی فیلم‌های کوتاه و بلند سینمایی ایران فراهم آورد. ایجاد یک مکان اختصاصی در ایام برگزاری جشنواره و نظم و نظام مثال‌زدنی در این بخش، از آن مواردی است که از چشم انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی دور مانده است. به یاد ندارم جشنواره ملی فجر، با آن بی‌نظمی همینگی‌اش توان برپایی چنین مکان ساده و کارآمدی را در مدت‌زمان برگزار‌اش داشته باشد، چراکه وقتی همه چیز تحت‌الشعاع نمایش فیلم‌های ایرانی و جوایزی است که به آنها اهدا می‌شود، دیگر اداره بخش تشریفاتی بین‌الملل، آن هم در غیاب فیلم‌سازان مطرح معاصر چندان محلی از اعراب پیدا نمی‌کند.